

هیجان انگیز

از رضاکیانیان و رویا تیموریان تا پژمان باغی‌نشان داندن همسر داری برای هنرمندسخت‌نویست

زندگی خانوادگی تان مستدام!

شهروند | تویت معنادار مهناز افشار در آخرین روزهای هفته گذشته حامل خیر دیگر از دنیای سلبریتی‌ها بود. ظاهرا این بازیگر ایرانی که این روزها در آلمان به سر می‌برد، از همسر خود یعنی یاسین رامین جدا شده است: «هر آدمی ضعیف یا قوی یک وجودی داره. ولی وقتی تصمیم می‌گیری یک مادر مجرد باشی باید دو تا وجود داشته باشی و اونارو برای خودت و فرزندت قوی تر هم بکنی.» این تویتت و واکنش به آن در روزهای گذشته برای چند ساعت صفحات مجازی را پر کرده بود و حتی برخی از چهره‌ها از جمله شیلا خداداد هم به این ماجرا واکنش نشان دادند. این اتفاق حالا پهنانه مرور زندگی موفق برخی بازیگران شده است؛ کسانی که سال‌هاست ازدواج کرده‌اند و هنوز با تمام مشکلات به زندگی خود ادامه می‌دهند.

از جمله این افراد محسن قاضی‌مرادی است که اتفاقا همسر او بازیگر است. مهوش وقاری و محسن قاضی‌مرادی سال‌هاست با هم زندگی می‌کنند، حتی حالا که قاضی‌مرادی بر اثر بیماری پارکینسون نیاز به مراقبت دارد، همسرش پرستاری او را برعهده گرفته است.

رضا کیانیان بازیگر دیگری است که سال‌هاست با هایده قراچه‌داغی ازدواج کرده است و یک پسر به نام علی دارد. هایده قراچه‌داغی خواهرزاده سهراب سپهری،

شاعر نام‌آشنای ایرانی است که گاهی هم در برخی مراسم او را همراهی می‌کند.

فاطمه معتمد آریا هم از سال ۱۳۶۰ که با احمد حامد ازدواج کرده تا همین حالا به زندگی خود در کنار او ادامه داده است. نکته جالب این‌که معتمد آریا خود برای ازدواج با احمد پیشقدم شده است: «چند دفعه‌ای همدیگر را دیدیم و بعد از دو ماه به احمد گفتم با من ازدواج می‌کنی؟ گفت من باید برگردم سوئد. گفتم ولش کن حالا بیا یک‌سال با هم زندگی کنیم لااقل کمیته ما را نمی‌گیرد. اگر نخواستی بعد از یک‌سال جدا می‌شویم. احمد گفت فکر خوبی است. باید چه کنیم؟ الان برویم پیش پدرت؟ گفتم: برویم.»

رویا تیموریان هم از بیش از یک دهه قبل با مسعود آریگان ازدواج کرده است و این ازدواج تا همین حالا موفق و پایدار بوده است. البته رویا تیموریان از همسر اول خود دو فرزند دختر هم دارد. او درباره این ازدواج گفته است: «سال‌ها با دخترانم تنها زندگی می‌کردم و زمانی که برای اجرای تئاتر به سوئد رفته بودیم، یک شب مسعود آریگان برای تماشای اجرای ما به سالن نمایش آمد و ما بعد از ۲۲سال دوباره همدیگر را دیدیم. (من و آقای مسعود آریگان با هم در یک دانشگاه درس خواندیم.) بعد از سفر به ایران ماجرای آشنایی بیشتر ما و ازدواج شکل گرفت.»

پژمان باغی‌هی هم بازیگر دیگری است که سابقه ازدواجش با مستانه مهاجر به سال ۸۴ برمی‌گردد. چندی قبل مستانه مهاجر در برنامه دورهمی مهران

مدیری درباره خاطره ازدواجشان گفت: «اولین‌بار در یک جشنواره سینمایی یکدیگر را دیدیم. دوست مشترکی داریم که ما را به هم معرفی کرد. وقتی من را به ایشان معرفی کردند، آقای باغی گفتند: شما تیزر تدوین می‌کنید؟ من هم در جواب گفتم: امیدوارم فیلمتان دست من نیفتد! پس از آن دیدار اول، با خودم گفتم پس درست فکر می‌کردم که از پژمان باغی بدم می‌آید. به هر حال، زمان گذشت و ما دوباره یکدیگر را دیدیم و من عاشقش شدم و البته او هم عاشق شد و نهایتا در سال ۸۴ با هم ازدواج کردیم.»

اشیای بزرگ یا سنگین و همچنین ظروف شیشه‌ای، چینی و سایر اشیای شکستنی و ظروف حاوی مواد خوراکی و شیمیایی را در قفسه‌های پایین کابینت و کمد قرار دهید.

با گذشت نزدیک به ۶ماه از برگزاری جشنواره تئاتر دانشگاهی هنوز جوایز برندگان این جشنواره داده نشده؛ موضوعی که حالا نویدمحمدزاده به آن واکنش نشان داده‌است. او دیروز با انتشار پوستر این جشنواره در استوری اینستاگرام نوشت: «شرم‌آوره چندماه از اختتامیه جشنواره تئاتر دانشگاهی گذشته، نه جوایز پرداخت شده و نه دبیر دوره بعد انتخاب شده‌است.» به‌حال نوید محمدزاده باز یگری است که کار خود را از فضای تئاتر شروع کرده و حالا به سینما وارد شده‌است. دغدغه‌های این بخش همیشه مورد توجه او بوده است، ضمن این که هنوز هم در حوزه تئاتر به صورت تهیه‌کننده یا بازیگر فعالیت خود را ادامه می‌دهد.

تلنگر نوید محمدزاده به برگزار کنندگان یک جشنواره تئاتری



آیا «حشمت فردوس» همان داریوش ارجمنداست؟

سعی کرده‌ایم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا واقعا تلاش داریوش ارجمند در ستایش ۳ تلاشی شکست خورده است؛ یا همان‌گونه که جواد طوسی می‌گوید، یک جور ایفای نقش نمایشی خاص ؟

می‌کنه خیلی سوز داره. آخ نویسنده‌هایی مثل بهرام بیضایی و ناصر تقوایی کجاپید؟»، یا: «کاری به سریال ستایش ندارم، اما این آقای کایدان که میگن متخصص خلق شخصیت هستن، کدوم کارش قابل دفاع هست؟ رحمان ۱۴۰۰ یا مانکن؟ یکی از یکی افتضاح‌ترا!» و البته این یکی: «کاری به بازی داریوش ارجمند تو این نقش ندارم (حتی با این‌که شاید تنهاکنته مثبت این سریال همین داریوش ارجمند که خیلیا به خاطر بازی ایشون این سریال رو دنبال کردن). ولی الان این شخصی که داره ایراد می‌گیره کارای اخیرشون رو ببینید متوجه میشید که هیچ‌کنته مثبتی نداره،نه فیلمنامه‌به‌دست حسلیی برای فیلمش نوشته‌نه بازی‌های خوبی تو کاراشون دیده‌ایم. نمی‌دونم فاش‌ش چی‌بده‌تریب منتقدارو برداشته.»

یک‌کنته

اما فارغ از این‌که انتقادات از زبان چه کسی طرح شده، بسیاری از ایرادات مورد اشاره به بازی داریوش ارجمند درست به‌نظر می‌رسد. بازی غلوشده، کاراکتر تحلیل‌نشده

که رفتارهای غیرعادی‌اش به بی‌ادبی پهلومی‌زند، رفتارهای پس‌زننده‌ای که موجب می‌شوند حشمت فردوس چندان محبوب نباشد و مواردی از این دست حکایت از این دارند که داریوش ارجمند در سستایش ۳ حتی در نزدیکی قلل کارش نیز نبوده. موضوعی که بی‌تردید خودش نیز به آن آگاه است، حتی اگر هوادارانش انتقاد از او را تبدیل کنند به صحنه در گیسری و ماجرای نبرد خیر و شر و حتی اگر هواداران اسپورس‌دار ارجمند، کسانی مثل علی‌آقای پروین علاقه‌شان به کاراکترهایی از جنس حشمت فردوس را پهنانه کنند برای ابراز ارادت به بازیگری که تاکنون در ایفای چنان نقش‌هایی متبحر نشان داده‌است. اما ارجمند که بارها گفته که این نقش «بر اساس کاراکتر من نوشته‌شده‌و از همان ابتدا قرار بود حشمت فردوس را من بازی کنم» و «روی تک‌تک دیالوگ‌ها و حرکات ساعت‌ها فکر کرده‌ام» بی‌تردید خودش نیز می‌داند که بر این‌دان این تلاش‌ها در سری سوم ستایش آن چیزی نشده‌است که از بازیگری چون داریوش ارجمند انتظار می‌رود.

بابک کایدان، سناریست سریال‌ها و فیلم‌هایی چون «دلدادگان»، «مانکن» و «رحمان ۱۴۰۰» نخستین کسی بود که به تفاوت‌های آشکار ایفای نقش داریوش ارجمند با دو فصل قبلی سریال اشاره کرد و البته آن را متناثر از شخصیت پردازی کاراکتر حشمت فردوس در فیلمنامه و نیز عدم کنترل کارگردان بر بازی او دانست که باعث شده بازی اضافه‌تری نسبت به کاراکتر نوشته‌شده انجام شده باشد.

انتقادات این فیلمنامه‌نویس به‌داریوش ارجمند جنبه‌های گوناگونی را شامل بود: «حتما استاد ارجمند نقش حشمت فردوس را آن‌طور که در فیلمنامه نوشته شده بازی کرده است، اما به نظر می‌رسد بازی درشت و به اصطلاح غلو شده استاد به سلیقه خودشان برمی‌گردد. البته این نوع ادبیات، لحن و شیوه بیان در شخصیت خودشان هم وجود دارد، اما میزان بازی باید توسط کارگردان نویسنده کنترل می‌شد.»

فازانتقاد

انتقاد‌های بابک کایدان از سوی هواداران داریوش ارجمند با واکنش‌های تندتویزی مواجه شد. عکس‌العمل‌هایی که بیشتر ناظر بر این موقعیت عمومی بودند که داریوش ارجمند در تمام این سه دهه‌ای که در سینمای ایران بوده، به‌عنوان یکی از معتبرترین و محترم‌ترین بازیگران این سینمای‌هشمار آمده و چرا باید از سوی نویسنده‌ای مورد انتقاد قرار گیرد که به کلیت کارنامه‌اش چندان نمی‌توان به آثاری درجه یک برخورد کرد. درواقع هواداران داریوش ارجمند با اشاره به کارنامه بابک کایدان که آثاری چون «دلدادگان»، «مانکن» و «رحمان ۱۴۰۰» را شامل است، انتقادات او در مورد داریوش ارجمند را بلاموضوع دانستند و چنین شد که در اندک زمانی فضای مجازی پر شد از آرا و نظراتی در حمایت از داریوش ارجمند: «تفاقا فقط ارجمند که تو این سریال خوب بازی می‌کنه»

البته عده‌ای از سینمادوستان نیز معترف به ضعف‌های داریوش ارجمند بودند: «بازی ارجمند به کنار. ایمنسون سال‌هاست که به بازی خوب نداشته. ولی وقتی نویسنده مانکن و رحمان ۱۴۰۰ که مرزها و جابه‌جا کرده میاد نقد

بلیت‌فروشی بازی ایران – کامبوج با استقبال تاریخی علاقه‌مندان روبه‌رو شد

خانم‌ها دنبال بلیت بیشتر؛ فدراسیون دنبال مجوز



دنبال کردن آن‌هایی توانید ببینید که کاربران چه‌مطلبی را پست می‌کنند

جنگلی‌ترین هشتگ داغ‌شده در مجازی اما #آداب_استانديوم بود که توسط آقایان داغ شد. به‌خاطر تمام ممنوعیت‌های سال‌های اخیر، چند نفر از کاربران فعال توئیتری اقدام به نوشتن سسنت‌های استاندارد و یومی و در میان گذاشتن تجربیات خود با خانم‌های طرفدار فوتبال کردند که قصد حضور در آزادی را دارند. این داستان هم به شکلی عجیب تبدیل به یک موج بسیار بزرگ شد و در نهایت صدای بسیاری از زنان هم درآمد. این توصیه‌ها البته جنبه ایمنی امنیتی هم داشت؛ مثلا یکی از کاربران نوشته بود: «فلش رو ضبط نذارید بمونه داشموروش رو هم خالی کنید و درش رو باز نذارید که آقا دزده نگاه کرد بره بی کارش بدونه چیزی برای دزدین برانش نداشتید». این هشتگ به قدری داغ شده که از سیر تا پایزار راه‌وروش استان‌دیوم رفتن را برای خانم‌ها می‌نویسند. قضیه به قدری جدی شد که خیلی از زنان علاقه‌مند که بلیت‌بازی ایران و کامبوج رو هم خریداری کرده‌اند به این جو اعتراضی شدید داشته و تأکید دارند که خیلی از مشکلاتی که پیش از این در ورزشگاه‌ها وجود داشته، حالا ممکن‌است با حضور زنان در ورزشگاه از بین برود یا کمتر شود.

بلیت‌فروشی به‌زنان برای یک مسابقه رسمی می‌تواند یک قدم بزرگ برای فرهنگ هواداری در فوتبال ایران هم باشد. از روزی که در فوتبال ایران بلیت‌فروشی اینترنتی را راه‌اندازی کرده‌اند، هیچ وقت در داخل ورزشگاه این سیستم طبق استاندارد اجرایی نشده‌است؛ درواقع باید گفت که آنهایی که بلیت می‌خرند هیچ

با گذشت نزدیک به ۶ماه از برگزاری جشنواره تئاتر دانشگاهی هنوز جوایز برندگان این جشنواره داده نشده؛ موضوعی که حالا نویدمحمدزاده به آن واکنش نشان داده‌است. او دیروز با انتشار پوستر این جشنواره در استوری اینستاگرام نوشت: «شرم‌آوره چندماه از اختتامیه جشنواره تئاتر دانشگاهی گذشته، نه جوایز پرداخت شده و نه دبیر دوره بعد انتخاب شده‌است.» به‌حال نوید محمدزاده باز یگری است که کار خود را از فضای تئاتر شروع کرده و حالا به سینما وارد شده‌است. دغدغه‌های این بخش همیشه مورد توجه او بوده است، ضمن این که هنوز هم در حوزه تئاتر به صورت تهیه‌کننده یا بازیگر فعالیت خود را ادامه می‌دهد.

این آثار بازی نمایشی می‌خواهند

جواد طوسی، منتقد| بازی دار یوش ار جمند را در ستایش می‌توان از دو منظر متفاوت نگر بست. یکی به خود باز یگر و کلیت کارنامه او بازمی‌گردد که اساسا باز یگری مثل داریوش ار جمند با توجه به سابقه کار و پرونده بازیگری‌اش باید از یک وسواس و نقطه‌انتخاب حرفه‌ای پر خوردار باشد تا بتواند یک کارنامه پر رونق و قابل دفاع از خودش ارا به‌دهد. که این خود بحث جداگانه‌ای می‌طلبد که البته حتی در این مورد هم باید خودمان را محدود و مقید به مضمون و دستمایه و شیوه نمایشی کنیم. اما اگر بخواهیم نگاه نقادانه‌ای به حضور او در ستایش ۳ داشته‌باشیم، باید ببینیم آیا ایفای نقش اوناطباقی با کاراکترش دارد یا نه؛ که این را می‌توان در یک چار چوب حرفه‌ای و منطبق به ذات و زبان مدیوم مورد بحث قرار داد. داریوش ار جمند با توجه به نقش‌هایی که به او محول شده، با بی‌جنس‌باز یگری که به موقعیت‌های نمایشی پهلومی‌زند، همخوانی بیشتری داشته. از ناخدا خورشید تا حتی نقش کوتاه تک‌سکانسی او در سگ‌کشی بهرام بیضایی این جنبه نمایش‌گری را در کارهایش داشته که این را در ستایش هم می‌بینیم که تکیه ویژه‌ای روی موقعیت‌های نمایشی نشان می‌دهد. درواقع در چنین تیپ – شخصیتی که ار جمند در این سر یال ایفا می‌کند، اگر انتظار یک بازی ژانلیستی و منطبق باواقعبات جاری را داشته‌باشیم، به‌بیر اهره فته‌ایم و این مشکلی است که بسیاری از منتقدان حضور ارجمند در ستایش ۳ با آن درگیرند.

در کل می‌توان گفت که اساسا نقش‌هایی که سعیدمطلبی می‌نویسد یک نوع بازی نمایشی را اقتضامی‌کند. به این دلیل است که باور دارم اگر کسی این را غلو یا اغراق در باز یگری ار جمند می‌نامد، یعنی که اصلا این نوع روایت و بازی واصل و مقوله‌رانی شناسد و با این جنس بازی که در کلیت فیلمنامه جاخوش کرده‌است، آگاهی ندارد.

در حالی که چنین آثاری (که کارهای مر حوم ایرج قادری که فیلمنامه‌شان را اغلب همین سعید مطلبی نوشته) باز یگری خاص خود را اقتضا می‌کند، با تکیه بر یک بازی فاصله گرفته شده از رئالیسم که بر موقعیت‌های تند و ملتهب نمایشی تکیه دارد. این قاعده تا باید متفاوت باشد از بازی مثلا – در آثار صغر فر هادی که در آنها روندی برعکس را شاهدیم و عمادانه سعی می‌شود موقعیت‌های نمایشی پنهان شوند.

برای زنان را در سایت انجام بدهیم که این کار بدون مشکل انجام شد. درباره این‌که تقاضا بیشتر است و سکوهای بیشتری برای زنان در نظر گرفته خواهد شد یا خیر هم مدیران محترم فدراسیون فوتبال باید پاسخگو باشند و اگر از ما بخواهند که بیشتر بلیت فروخته شود، این کار انجام خواهد شد.» انتظار خیر در بخش مهمتری از حرف‌هایش تأکید کرد: «ولی چیزی که من در جریان آن هستم این است که با توجه به شروع این ماجرا برای اولین بار در مکاتباتی که با فیفا داشته‌اند برای این تعداد فروش بلیت توافق شده‌است. سوال‌های بیشتر در این زمینه را آقای ابراهیم شکوری، سرپرست دبیر کلی فدراسیون و سایر مسئولان باید جواب‌بدهند.»

حقیقت این است که مدیران فوتبال ایران هم روزهای بسیار سختی را پشت سر می‌گذارند. پرونده حضور زنان در ورزشگاه باعث شده آنها هم از طرف فیفا و هم از داخل با فشارهایی شدید روبه‌رو باشند. آنها در چنین فضایی سعی کرده‌اند طوری مدیریت کنند تا هم فیفا رضی باشند و هم در داخل مشکل خاصی به وجود نیاید. البته برای بررسی ابهامات سرآخ مسئولان فدراسیون هم رفتیم. غلام‌حسین زمان آبادی، مسئول فرهنگی فدراسیون فوتبال، درباره پاسخ به این سوال که آیا فدراسیون برنامه‌ای برای فروش بیشتر بلیت به زنان علاقه‌مند خواهد داشت یا خیر؟ اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت که از مهدی تاج و ابراهیم شکوری سوال کنید. این کل نفر هم که فعلا زیاد در رسانه‌ها آفتابی نیستند. با این حال من منبع آگاه در فدراسیون به‌هرنگار «شهروند» اعلام کرد: «فروش بلیت بیشتر نیاز به در یافت مجوز از نهادهای ذیصلاح و هماهنگی و کمک وزارت ورزش دارد و اگر موافقت‌های لازم را بگیریم، احتمال دارد که حداقل تا چهار سکوی دیگر در ضلع جنوبی به جایگاه زنان اختصاص داده شود.»

بازی ایران – کامبوج از ساعت ۱۷ روز پنجشنبه هفته جاری بر گزار خواهد شد و با توجه به فشار فیفا برای حضور زنان در ورزشگاه، مکانیزم بلیت‌فروشی بازی با شرایط خاصی روبه‌رو است؛ مثلا تا دیروز فروش بلیت طبقه دوم باز نشده بود و آقایان هم استقبال بسیار بدی از این مسابقه داشتند. به این ترتیب اگر ورزشگاه پر نشود و استقبال آقایان کمتر باشد، شاید سکوهای بیشتری برای زنان در نظر گرفته شود. به هر صورت اگر تقاضای زنان زیاد باشد و سکوهای آزادی خالی بماند، فیفا می‌تواند روی این مسئله به شکلی ویژه حساس شود. در کل باید گفت که سیاست بلیت‌فروشی برای زنان با وجود فروخته‌شدن بلیت‌های مرحله اول همچنان با حاشیه‌های زیادی روبه‌رو است. فراموش نکنیم در چنین فضایی خیلی‌ها می‌خواهند حضور زنان در مسابقات لیگ هم آزاد شود. خیلی‌ها می‌خواهند که تماشاگران به شکل خانوادگی در استادیوم‌ها حاضر شوند و مسابقات فوتبال را تماشا کنند. در هر حال حضور محدود بازی ایران و کامبوج و شرایطی که در این گزارش به آن اشاره شد، تازه اولین قدم است. ما درواقع درست‌است که الان در ظاهر همه چیز برای حضور زنان در ورزشگاه با فروش بلیت محدود تمام شد؛ اما بسیاری دیگر از کارها با حالا به بعد تازه شروع می‌شود.